

چند کلمه

- چند کلمه ۷
- چند کلمه‌ی دیگر ۱۳
- کشتی شکسته‌ها ۱۵
- استفن گرین ۵۳
- آن‌روز، شب که شد ۸۳
- ویلیام فالکنر ۱۰۹
- شیطان و دانیل وبستر ۱۲۵
- استفن وینسنت‌بنه ۱۰۹
- در تبعید و نغله‌های آدم چیزی جدی‌تر و چیزی به‌هم‌امیخته‌تر نیست ۱۲۵
- آنتوان چخوف ۱۲۵
- برف‌های کلیمانجارو ۱۲۵
- ارنست همینگوی ۱۲۵

چند کلمه

نام اصلی داستان اول این مجموعه «قایق بی حفاظ» بود. من آن را «کشتی شکسته‌ها» کردم هم چون داستان به راستی داستان کشتی شکسته‌ها بود، و هم تا نامی جور جهت جمع این داستان‌ها باشد. همه این داستان‌ها درباره کسانی است که کشتی زندگیشان شکسته است هرچند یکی زن سیاهی است بر کنار می‌سی‌سی‌پی، یکی تاتاری است در مرز سیبری، یکی مرد سفیدی است در حاشیه جنگل‌های آفریقا، دیگری هم هست جان به شیطان فروخته که اکنون در تقلا بازگرفتن آن است.

از آدم و تقلاهای آدم چیزی جدی‌تر و چیزی به هم آمیخته‌تر نیست گرچه آدم است که خالق شادی است. لطف و عظمت آدم در این است که در شادی خود درد را حس می‌کند، و در غم یا شادی امید را می‌گنجاند یا قدرت انتخاب و تحمل نومیدی را دارد. این قصه‌ها را برای ترجمه انتخاب کردم چون این لطف و عظمت را در آن‌ها دیدم. این قصه‌ها را برای ترجمه انتخاب کردم نیز چون دیدم هنر خلق و ابتکار نویسندگی آن‌ها را برجسته می‌کند.